

مافیای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بر کشور مسلط است

مصاحبه خبرگزاری ایناز با دکتر جهانگیر افشاری تحلیل‌گر سیاسی

خبرنگار ایناز: آقای افشاری، اخیراً حضور سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در رویدادهای سیاسی کشور بطور محسوسي دیده می‌شود. آیا سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از اهمیت ویژه‌ای در ایران برخوردار است؟

جهانگیر افشاری: سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که از به هم پیوستن 7 گروه بوجود آمد تشکیلاتی بود که سران جمهوری اسلامی در مقابل سازمان مجاهدین خلق در تاریخ 16 اردیبهشت سال 1358 تشکیل دادند. این سازمان دربرگیرنده بازمانده‌های تشکل‌های «امت واحده»، «توحیدی خلق» - که در خارج از ایران فعالیت می‌کرد -، «توحید بدر»، «موحدین»، «صف» و «منصورون» تشکیل شد. این‌ها تشکل‌های رادیکالی بودند که به مبارزه مسلحانه بر علیه رژیم شاه باور داشتند. پس از انقلاب خمینی برای برافراشتن نیروی بر علیه مجاهدین خلق که از پیشرفت و توسعه سریعی در جامعه برخوردار بود خمینی به مطهری سفارش کرد که این گروه‌ها را گرد هم آورد و سازمانی مشابه مجاهدین که با او کاملاً هماهنگ باشد تشکیل دهد. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی یگانه تشکل سیاسی نماینده تفکر خمینی در جامعه، تا قبل از تشکیل «حزب جمهوری اسلامی» بود.

پس از قتل مطهری فردی به نام حسین راستی کاشانی نماینده خمینی در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود. وی با هرگونه نوآوری فکری در اصول دکماتیک اسلام مخالفت می‌کرد و تبعیت مطلق از خمینی را سفارش می‌کرد.

مخالفان راستی کاشانی در سازمان که طیف چپ این تشکل را شکل می‌دادند عبارت بودند از بهزاد نبوی، محسن آرمین، سعید جاریان، هاشم آجازی، مصطفی تاج زاده، محمد سلامتی. ملاحظه می‌کنید که همه این افراد امروز نظریه پردازان و شکل دهندگان خطوط استراتژیک حکومت خاتمی هستند.

به هر حال مخالفت این افراد با نماینده خمینی در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی باعث شد که در سال 1361 استعفا دادند. در مهر سال 65 به دستور خمینی این سازمان منحل اعلام شد.

افراد مخالفی که در بالا نام بردم در مهر 1370 با مجوز رسمی وزارت کشور سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را دوباره فعال کردند. آنها از این تاریخ به بعد نقش فعالی را در صحنه سیاسی ایران ایفا کرده‌اند.

ایناز: آیا سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بافت و قالب تشکیلاتی دارد؟

جهانگیر افشاری: بله، این یکی از تنها تشکل‌های سیاسی داخل کشور است که به سان یک سازمان سیاسی و یا حزب سیاسی اداره می‌شود. این سازمان با تبعیت از یک سلسله مراتب تمرکزگرا از واحدهای مختلف شهری و محلی در سطوح مختلف برخوردار است و نیروهایش را اداره می‌کند. این سازمان دارای میلیشیا و نیروهای شبه نظامی است که در موارد ضروری وارد صحنه می‌شوند. نفرات وابسته به این سازمان در رده‌ها و پستهای مختلف دولتی حضور دارند و منابع مالی مهمی نیز در اختیار دارند.

ایناز: چه منابع مالی؟

جهانگیر افشاری: بطور مثال مقادیر مهمی کمک مالی از طرف شرکت پتروپارس که بهزاد نبوی مدیریت آنرا بعهده داشت به سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی رسیده است. این به سازمان اجازه داد که شبکه خود را گسترش دهد. مقدار زیادی از پول تبلیغات دو دوره ریاست جمهوری خاتمی توسط این سازمان تأمین شده است. آنها از طرف بازار و سایر شرکتهای تجاری برخوردار از حمایت دولت نیز کمک می‌شوند.

ایناز: این سازمان از چه طریق نفوذ خود را اعمال می‌کند؟

جهانگیر افشاری: این سازمان در حال حاضر پر قدرت ترین تشکل سیاسی در ایران است. اعضا و هواداران آن در همه جا هستند. نخست باید به مجلس اشاره کنیم که اعضای این سازمان در هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی نقش اصلی را دارند و بر تصمیم گیریها اعمال نفوذ می کنند. در میان فراکسیون دوم خرداد نیز این سازمان نقش موتور را بازی می کند. در وزارتخانه های مختلف و کلیدی در دستگاه دولت اعضای این سازمان پست های مهمی را در اختیار داشته اند: تاج زاده، بطور مثال، بعنوان معاون سابق وزیر کشور. دیدیم چگونه نفوذ این سازمان باعث شد که بهزاد نبوی از جرم بزرگترین سوء استفاده های مالی و وارد ساختن ضررهای بیکران به اقتصاد کشور جان سالم بدر برد.

در مطبوعات دوم خردادی این سازمان حضور چشم گیر دارد، بخصوص بواسطه توان مالی خود در کمک به انتشار روزنامه هایی که فاقد بهره دهی اقتصادی هستند. نوروز یکی از این روزنامه هاست. علاوه بر این دو هفته نامه «عصر ما» نیز بعنوان یک ارگان تبلیغاتی این سازمان عمل می کرد. در تشکل های دانشجویی و از جمله در دفتر تحکیم وحدت نیز این سازمان بطور مستقیم نفرات خود را کاشته است.

اینار: مواضع سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی چگونه است؟

جهانگیر افشاری: این سازمان یک نوع ایده آلیسم عوامفریبانه را دنبال می کند. با شعارهای دهان پرکن مانند قانون سالاری، عدالت اجتماعی و تکثرگرایی ظاهر بسیار خوش تراشی دارد اما باید به ویژگی سیاسی آن توجه کرد. این سازمان به شدت قدرت گرا، نخبه گرا و ماکیاولیست است. فعالیت انتقادی آنها را باید در یک چشم انداز جنگ قدرت دید. آنها برای بیرون راندن حریف از صحنه به هر ابزاری متوسل می شوند. آنها قادرند در یک چشم بر هم زدن مواضع کاملاً متخالف و متناقضی اتخاذ کنند. از یکسو از طرح گفتگوی تمدنها حمایت می کنند و از طرفی به هنگام حمله آمریکا به افغانستان پیشنهاد می دهند که ایران با طالبان یک محور متحد مقابله با آمریکا تشکیل دهند.

اینار: دلیل آنان در حمایت از خاتمی و عملکرد او چیست؟

جهانگیر افشاری: این سازمان یک استفاده ابزاری از خاتمی می کند. حمایت آنها از خاتمی برای حفظ خود در مقابل تهاجم راست افراطی در ایران است. آنها می دانند که موقعیتشان با استعفای خاتمی به شدت زیر سوال می رود، به همین دلیل تلاش می کنند که به هر قیمت شده خاتمی را تقویت کنند تا در صحنه بماند و تا آخر دور دوم ریاست جمهوری خود پیش برود. در این صورت آنها فرصت لازم را خواهند داشت که جایگزین مناسب خود را برای خاتمی پیدا کنند. نباید فراموش کنیم که فرموله کردن، تئوریزه کردن و آماده ساختن روی کار آمدن خاتمی از همان دوم خرداد سال 1376 اثر و پرداخته سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود. کسانی که گفتمان خاتمی را به او آموختند و خطوط کلی حرکت او را مشخص ساختند نبوی و حجاریان بودند. آنها از همان موقع خاتمی را به طرق مختلف حمایت کردند. در سال 1380 بهزاد نبوی با اختصاص چند میلیون دلار از درآمدهای پتروپارس اشخاص و سازمانهای سیاسی بریده از اپوزیسیون را برای حمایت از خاتمی در خارج از کشور بسیج کرد. آنها امکان سرمایه گذاری مالی برخی از رهبران سازمان اکثریت را داخل کشور فراهم کردند تا از پشتیبانی آنها در خارج از کشور برخوردار شوند. آنها به برخی از روزنامه نگاران و تلویزیونهای خارج از کشور پولهایی دادند تا به نفع خاتمی تبلیغات کنند. آنها در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری در سال 1380 ایده رفراندم را که توسط جریانهایی از اپوزیسیون بیان شده بود مصادره کرده و اعلام داشتند که رفراندم همان شرکت در انتخابات و رای دادن به خاتمی است.

اینار: اما امروز موقعیت خاتمی زیر سوال رفته است.

جهانگیر افشاری: بله، امروز خاتمی بعنوان یک دروغگو در جامعه شناخته می شود و مردم اعتمادی به او ندارند. به همین خاطر بهزاد نبوی در مصاحبه دیروز خود به او سفارش اکید داده و حتی دستور داده که از جایش تکان نخورد و به فکر نان و آب مردم نباشد. نبوی با معرفی خاتمی بعنوان معمار اصلاحات در ایران سعی کرده به دروغ، او را مسئول آینده جریان اصلاح طلبی معرفی کند، اما وی خوب می داند که خاتمی کمترین ایده ای در باره آینده جریان اصلاح طلبی ندارد چون پایه و اساس آنرا خودشان ریخته اند. امروز شکست اصلاحات در ایران شکست تاریخی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی است. سازمانی که با اتکاء به شبکه پر قدرت خود تلاش دارد قدرت

را از چنگ راست ها خارج کند و الگوي حکومتي خود را در جامعه پياده کند. مافيايي سازمان مجاهدين انقلاب اسلامي - يعني مافيايي معروف اصلاح طلبان - بر عليه مافيايي باند خامنه اي و باند رفسنجاني مي جنگد. اين جنگ مربوط به تقسيم ثروتها و کسب قدرت است. تقريباً تمامي نبردهاي سياسي ميان مجلس، شوراي نگهبان، مجمع تشخيص مصلحت و در صحنه سياسي کشور حکايتگر معاملات کلان و چند ميلياردي اقتصادي در پشت پرده است. عده اي نيز که به اصالت اين رويارويها باور مي کنند هم اينک در زندان بسر مي برند.

براي فهم اوضاع و موقعيت مافيايي سازمان مجاهدين انقلاب اسلامي آخرين مصاحبه نبوي بسيار پرمعناست. چون وي از تمام سوالات مشخص در باره وضعيت فاجعه بار اقتصادي و اجتماعي کشور فرار مي کند و تنها به دادن وعده هاي تکراري در باره شانس موفقيت اصلاحات در ايران بعنوان يگانه راه حل مي پردازد.

من فکر مي کنم مافيايي سازمان مجاهدين انقلاب اسلامي به ته خط رسيده است و انفجاري که در راهست نخست پياده نظام اين مافيا را که خاتمي و وزيرانش هستند از ميان خواهد برد و بعد نوبت به نبوي، حجارپان، سلامتي، آجاري و تاج زاده ها خواهد رسيد. بايد ديد اين سازمان مافيايي براي گريز از اين سناريوي سياه چه ماجراجويي جديدي را در ماههاي آينده در کشور آغاز خواهد کرد.

زاکرس